



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

وظیفه حکومت اسلامی نسبت به سیاست گذاری پولی

در جلسه پیشین روشن گردید که یکی از وظائف و اختیارات حکومت اسلامی در نظام اقتصادی اسلام که نیازمند بررسی است، سیاست گذاری در مسائل پولی در جامعه است. این مسأله باید بررسی شود تا روشن گردد که اسلام در ارتباط با پول، سیاست‌ها و تدابیری دارد که به عهده دولت و حکومت اسلامی باشد یا خیر؟

به عنوان مقدمه برای این مسأله، هدف از خلق پول مطرح شده و در این زمینه، کلامی که علامه طباطبائی از غزالی نقل کرده است، اشاره گردید. بعد از این مقدمه، به بررسی اعتبار پول های رایج در عصر حاضر از قبیل ریال، دلار، دینار و ... پرداخته شد تا پذیرش یا عدم پذیرش آنها توسط اسلام روشن گردد.

در صورتی که پول های رایج در عصر حاضر به عنوان اولی یا ثانوی، معتبر باشند، سیاست های پولی نسب به آنها مطرح خواهد شد.

أدله اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر

در راستای اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر، در جلسه پیشین به وجوهی از قبیل اختلال نظام، حفظ سوق مسملین، عدم تضییع حقوق مردم و وجوه دیگر اشاره گردید.

و: دلالت التزامی عمومات و اطلاقات معاملات

ششمین دلیل برای اعتبار داشتن پول های موجود در عصر حاضر، تمسک به دلالت های التزامی عمومات و اطلاقات معاملات است که شبیه این استدلال را در فقه بورس برای اثبات مشروعیت خود بانک‌ها، بازار بورس و شرکت های سهامی ذکر کرده ایم.

توضیح مطلب این است که در میان فقها در مورد عمومات و اطلاقات معاملات همچون «أحلّ الله البيع» و «أوفوا بالعقود»، دو نظریه وجود دارد:

الف: این أدله، دلالت بر صحت معاملات در نظر شارع می کند؛ یعنی بر اساس این أدله، شارع بیعی که در نزد او بیع باشد، را حلال کرده است و نسبت به قراردادی که در نزد او عقد باشد، وجوب وفاء قرار داده است. طبق این نظریه، در هر موردی که شک در صحت یا عدم صحت آن در نظر شارع وجود داشته باشد، تمسک به این أدله، تمسک به عام در شبهه مصداقیه خود آن خواهد بود که مورد پذیرش فقها نیست؛ لذا دیگر امکان استدلال به این أدله وجود نخواهد داشت.

ب: این أدله القای به عرف شده و مخاطب آن، عرف است. از طرف دیگر شارع در مقام القای خطاب به عرف، مراد از بیع و عقد را بیان نکرده است؛ لذا اطلاق مقامی شکل گرفته است و بر اساس آن، آنچه در نظر عرف، بیع و عقد باشد، تصحیح شده و وجوب وفاء خواهد داشت؛ چون شارع در مقام بیان بوده است و وقتی نسبت به چیزی که عرف می فهمد، ردعی بیان نکند، کشف می شود که همان بیع و عقد عرفی را پذیرفته است.

این مبنا به لحاظ واقع، مخالف با مبنای اول نیست و صرفاً بیان کرده است که در مقام اثبات با توجه به اینکه خطاب به عرف شده و شارع بیانی نسبت به فهم عرف نداشته است، استفاده می شود که شارع عقود عرفی را پذیرفته و همان عقود عرفی را موضوع برای وجوب وفاء قرار داده است.



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر
استاد: علی عندیبه دام ظلّه

بر اساس این مبنا، تمسک به عموماً و اطلاقات برای اعتبار دادن به پول های رایج در عصر حاضر ممکن است؛ چون فرض بر این است که شارع همان بیع ها و عقدهای در نزد عرف را پذیرفته است. از طرف دیگر عقلاء معاملاتی که با پول های رایج در عصر حاضر انجام شده را صحیح می دانند و در این زمینه هیچ شک و دغدغه ای وجود ندارد.^۱ در نتیجه عموماً و اطلاقات بر این معاملات تطبیق شده و حکم بر صحت و همچنین وجوب و فاء نسبت به آنها می کنند. نکته دیگر این است که عموماً و اطلاقات ظهور محسوب می شوند و ظهورات اماره بوده و لوازم آنها نیز حجت هستند.

تاکنون بر اساس مبنای دوم روشن شد که عموماً و اطلاقات حکم به صحت معاملاتی که با پول های رایج انجام می شود، می کنند و لازمه صحت معاملات این است که عوضین هم در نزد شارع معتبر باشند؛ چون اگر عوضین در نزد شارع معتبر نباشند، اساساً معامله شکل نمی گیرد تا شارع حکم به صحت و وجوب و فاء نسبت به آن کرده باشد.

بنابراین دلالت التزامی اطلاقات و عموماً بر این است که پول های رایج در عصر حاضر، در نزد شارع معتبر هستند. البته تقریب ذکر شده مبنائی است و به نظر ما همین مبنا صحیح است.

ز: بنای عقلا

دلیل هفتم برای اعتبار داشتن پول های موجود در عصر حاضر، بنای عقلاء است.

تقریب استدلال به بنای عقلا این چنین است که در عصر حاضر، بنای همه عقلای عالم بر اعتبار پول های رایج است. البته در هر کشوری پول خاصی رواج دارد، اما این اختلاف صرفاً به لحاظ مصداق است؛ چون همه این پولها اسکناس هایی هستند که با اعتبار معتبر شده و مالیت یافته اند. به عبارت دیگر در عصر حاضر، پشتوانه هیچ یک از پول های رایج، طلا و نقره نیست و صرفاً با اعتبار دادن حکومت ها تبدیل به پول شده و در معاملات مورد استفاده قرار می گیرند. البته ممکن است در موارد بسیار نادر و کشورهای خاص، طلا، نقره یا ماده دیگر برای معامله استفاده شود، اما در قریب به اتفاق کشورها، پول های اعتباری مورد پذیرش عقلا قرار دارد. از طرف دیگر ردعی نسبت به این بنای عقلا واصل نشده است و از همین مطلب کشف می شود که شارع نیز پول های رایج را پذیرفته است؛ چون اگر شارع این پول ها را نپذیرفته بود، از بنای عقلا ردع می کرد.^۲

البته ممکن است در ابتدا پول ها توسط دولت ها و برای اهداف خاصی همچون کسب سود ایجاد شده باشند، اما مهم این است که به مرور زمان، استفاده از پول ها مورد پذیرش عقلا قرار گرفته و در مبادلات استفاده شده اند. بنابراین لازم نیست که منشأ ایجاد پول ها نیز عقلانی بوده باشد بلکه هر چیزی که منشأ باشد، وقتی مورد پذیرش قرار گیرد و عقلا به آن ترتیب اثر دهند، بنای عقلا شکل خواهد گرفت و در صورتی که از شارع ردعی نسبت به آن نرسیده باشد، آن بنای عقلانی معتبر خواهد شد.

تمسک به بنای عقلا با اشکال مهمی مواجه است؛ چون بناهای عقلانی به دو قسم تقسیم می شود:

۱. این تقریب اختصاص به پول های رایج در عصر حاضر ندارد بلکه اگر زمانی پول ها تغییر کرده و چیز دیگری در بین عقلا رواج پیدا کند که انجام معامله با آنها موجب صدق بیع و عقد در نزد عقلا باشد، به همین صورت بوده و معتبر خواهد بود؛ چون شارع خطاب به عرف کرده است و اطلاقی مقامی کلام او موجب اعتبار بخشیدن به تمامی اموری که موجب صدق بیع و عقد می شود، خواهد شد.

۲. مشابه تقریب ذکر شده برای تمسک به بنای عقلا، در بحث حجیت ظهور و خبر واحد مطرح شده است؛ چون بنای عقلا بر اعتبار داشتن ظهورات و خبر واحد است و شارع نیز ردعی از این بنای عقلا نکرده است که از عدم ردع شارع کشف می شود که ظهورات و خبر واحد حجت هستند.



جلسه: ۰۲

تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

درس: نظام اقتصادی اسلام

موضوع: أدله اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر

استاد: علی عندیبه دام ظلّه

الف: بناهایی که در عصر معصومین علیهم السلام نیز وجود داشته اند و به عبارت دیگر متصل به زمان معصومین علیهم السلام بوده اند. در این زمینه می توان به بنای عقلا بر حجیت ظواهر و خبر واحد اشاره کرد.

ب: بناهای عقلانی مستحدث که در عصر معصومین علیهم السلام وجود نداشته اند و بعد از آن به وجود آمده اند. در قسم اول از بناهای عقلانی، با توجه به اینکه متصل به عصر معصومین علیهم السلام هستند، در صورتی که به گونه ای رواج داشته باشند که در مرأی و منظر معصومین علیهم السلام بوده باشند و در عین حال ائمه علیهم السلام نسبت به آنها ردعی نکرده باشند، حجیت آنها کشف خواهد شد، اما قسم دوم از بناهای عقلانی اساساً در عصر معصومین علیهم السلام وجود نداشته اند که در مرأی و منظر معصومین علیهم السلام بوده باشند تا عدم ردع نسبت به آنها موجب کشف رضایت شارع به این بناهای عقلانی باشد. در نتیجه احراز امضای شارع نسبت به این قسم از بناهای عقلانی دچار اشکال است. بنای عقلاء بر معتبر بودن پول های رایج در عصر حاضر، از نوع دوم از بناهای عقلانی است.

البته برخی از فقها قائل هستند که بناهای عقلانی مستحدث نیز حجت هستند. یکی از وجوه این مطلب این است که شارع حکیم می دانسته است که در آینده، بناهایی به وجود خواهد آمد که این بناها در زندگی مردم تأثیر خواهند گذاشت و مردم مبتلای به آنها شده و بدون توجه به مسائل شرعی و صرفاً به جهت عقلانی بودن، به آنها عمل خواهند کرد. در این شرایط اگر شارع آن بناهای عقلانی را نپذیرفته بود، باید به نحوی به متشرعه می رساند که چنین بنای عقلانی را نمی پذیرد الا اینکه به هیچ نحو امکان بیان کردن برای شارع وجود نداشته باشد. به عنوان مثال عدم جواز ساخت بمب هسته ای به گونه ای است که به هیچ نحو برای شارع ممکن نیست که آن را در زمان معصومین علیهم السلام بیان کند، اما برخی از مسائل، اگرچه در عصر معصومین علیهم السلام وجود نداشته اند، اما امکان بیان در مورد آن ولو اینکه به صورت کنایه یا اشاره باشد، وجود دارد کما اینکه گفته می شود که برخی از آیات قرآن کریم، مربوط به آخر الزمان است و مقصود از آنها در آن زمان فهمیده می شود. بر این اساس، بناهای عقلانی مستحدث نیز حجت خواهند بود. در مورد پول های رایج در عصر حاضر نیز به جهت اینکه بنای عقلا بر آن واقع شده است و نسبت به این بنای عقلانی ردعی از شارع وارد نشده است، کشف می شود که این بنای عقلانی مورد پذیرش شارع قرار دارد و این پول ها از اعتبار برخوردار هستند.

راه حل دیگر برای اعتبار داشتن بناهای عقلانی مستحدث این است که در امور معاملات و بلکه بالاتر، در همه ی مسائلی که مردم در آنها راه صحیح را می پیمایند، نیاز به جعل حکم از سوی شارع نیست. بر اساس این مبنا، به عنوان مثال در جاده ای که شهروندان در مسیر خودشان به درستی حرکت می کنند، نیازی نیست که پلیس راهنمایی و رانندگی نحوه حرکت کردن مردم را بیان کرده و آنها را الزام به ضوابط کند؛ چون در چنین شرایطی، بیان کردن لغو است. مثال دیگر این است که اگر بچه ای قصد بازی کردن در حیاط خانه را داشته باشد، نیازی نیست که پدر و مادر همه مکان هایی که کودک می تواند در آنها بازی کند را بیان کنند، بلکه پدر و مادر صرفاً خطوط قرمز مثل بازی کردن کنار حوض را بیان کرده و تذکر می دهند که کودک نباید نزدیک حوض بازی کند، اما نسبت به سایر مکان ها نیازی به بیان نیست. بر همین اساس وقتی بناهای عقلانی بررسی شده و ردعی از شارع در مورد آنها مشخص نگردد، حتی اگر بنای عقلانی مستحدث باشد، روشن می گردد که عملکرد همه عقلاء صحیح بوده است و یا اینکه حداقل اکثر آنها به درستی عمل کرده اند و شارع از باب ترجیح مصالح عامه مردم، عملکرد آنها را بر همگان معتبر دانسته و اعتبار داده است. بر اساس این وجه نیز پول های رایج در زمان حاضر معتبر خواهند شد.

دلیل سوم برای اعتبار بناهای عقلانی مستحدث، تمسک به دلیل لاضرر است که در برخی موارد قابل تمسک است. به عنوان مثال بنای عقلا بر این است که برای مؤلف کتاب قائل به حق هستند و در نظر آنها اگر برای همگان جایز باشد که کتاب او را بدون اجازه منتشر کنند، بر او ضرر وارد می شود. وقتی مصداقی برای قاعده لاضرر ایجاد شود، این قاعده حکم خواهد کرد که چنین حکمی در اسلام وجود ندارد که نتیجه آن



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

معتبر بودن حق التالیف در نزد شارع است.

وجوه دیگری برای اعتبار بناهای عقلانی مستحدث از جمله تمسک به آیه شریفه «وَأمر بِالْعَرَفِ» وجود دارد که همه این وجوه به صورت مفصل در کتاب الفائق فی الاصول مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است.

سیاست های شارع نسبت به پول های مردم

تاکنون هفت دلیل برای حجیت بنای عقلا بر اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر اقامه گردید که با کنار هم قرار دادن این أدله می توان اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر را در نزد شارع اثبات کرد. اعتبار داشتن این پول ها به این معنا است که از نظر شرعی برای آنها سیاست هایی وجود دارد که رعایت این سیاست ها لازم است.

الف: حفظ پول ها به لحاظ فیزیکی و ارزشی

یکی از سیاست ها در قبال پول های مردم، حفظ آنها از جهت فیزیکی و ارزشی است؛ یعنی باید به گونه ای سیاست گذاری شود که اصل پول های مردم در دست آنها باقی بماند و همچنین ارزش آنها نیز کاهش نیافته و مالیت آنها حفظ گردد.

البته اینکه حفظ ارزش پول به عهده خود مردم یا حکومت است، نیازمند بررسی است، اما قبل از پرداختن به این مسأله، باید بررسی شود که اگر اقدامی صورت گیرد که موجب ساقط شدن پول ها از ارزش و یا کاهش ارزش آنها شود، شارع چه حکمی کرده است؟ به عنوان مثال اگر تورم رخ داده و کاهش ارزش پول صورت گیرد، این کاهش ارزش پول به عهده بدهکار، حکومت و یا شخص دیگر است؟ این مسأله از اهمیت بسزائی برخوردار است.

برخی از فقها بیان کرده اند که کاهش ارزش پول باید توسط بدهکار جبران گردد. اما در مباحث آتی بیان خواهد شد که مناشی کاهش ارزش پول متعدد هستند و ممکن است بر اساس هر یک از آنها، ضمان کاهش ارزش پول بر عهده بدهکار یا حکومت و یا فرد دیگری باشد.

به عنوان مقدمه برای بحث ضمان کاهش ارزش پول، ابتدا به صورت اجمالی به بحث از اصل ثبوت ضمان در قبال کاهش ارزش پول و حکم تکلیفی آن پرداخته می شود؛ یعنی از این مطلب بحث می شود که اساساً کاهش یافتن ارزش پول، موجب ضمان می شود؟ جهت دیگر نیز بررسی حکم تکلیفی کاهش ارزش پول است.

البته لازم به ذکر است که بین کاهش ارزش پول و گرانی جنس تفاوت وجود دارد و گران شدن اجناس، ربطی به بحث حاضر ندارد. برای روشن شدن تفاوت این دو می توان به این مثال اشاره کرد که اگر یک خودرو، هزار دلار، دویست میلیون تومان و صد هزار دینار عراقی ارزش داشته باشد و بعد از گذشت یک سال، به همان قیمت ها یا کمی بالاتر باشد، کاهش ارزش پول و گرانی جنس رخ نداده است. اما اگر شرایط به این صورت باشد که دو هزار دلار، چهارصد میلیون تومان و دویست هزار دینار عراقی باشد، گرانی جنس رخ داده است. در صورتی هم که قیمت آن خودرو، هزار دلار و صد هزار دینار عراقی باشد، اما چهارصد میلیون تومان باشد، در این حالت، افزایش قیمت صورت نگرفته، بلکه کاهش ارزش پول رخ داده است. در این موارد حکم تکلیفی و وضعی کاهش ارزش پول باید مورد بررسی قرار گیرد. از بین این دو مسأله، ابتدا حکم وضعی مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه، حکم تکلیفی آن بررسی خواهد شد.

بررسی حکم وضعی کاهش ارزش پول

در مورد ضمان کاهش ارزش پول، سه نظریه در بین فقها وجود دارد:



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر
استاد: علی عندیابی دام ظلّه

- ۱- کاهش ارزش پول مطلقاً موجب ضمان نیست و در این حکم، میزان کاهش ارزش پول نقشی ندارد. بر اساس این نظریه، به عنوان مثال اگر شخصی چهل سال قبل هزار تومان از دیگری قرض گرفته باشد، در حال حاضر هم که ارزش آن به شدت کاهش پیدا کرده و تقریباً امکان خریداری چیزی با آن نیست، همان هزار تومان را بدهکار است و با پرداخت هزار تومان بری الذمه خواهد شد. این مسأله حتی در مورد غاصب ها نیز به همین صورت است و کسی که سالیان پیش پولی را غصب کرده باشد، امروز هم همان مقدار را ضامن خواهد بود.
- ۲- کاهش ارزش پول مطلقاً موجب ضمان است. بر اساس این نظریه، کسی که بدهکار است، اگر بدهی خود را پرداخت نکند تا کاهش ارزش پول رخ دهد، ضامن خواهد بود. این نظریه ضمان کاهش ارزش پول را در مورد غاصب بلامناقصه می داند. البته برای محاسبه مقدار ضمان، شاخصی وجود دارد که بر اساس آن عمل شده و مقدار کاهش ارزش قیمت مشخص می شود.
- ۳- کاهش ارزش در موارد اختلاف فاحش موجب ضمان است و در موارد غیرفاحش موجب ضمان نیست. بزرگانی همچون امام خمینی قائل به نظریه اول شده و حضرت آیت الله خامنه ای از قائلین به نظریه دوم هستند. حضرت آیت الله سیستانی نیز نظریه سوم را مطرح کرده اند. البته در این بحث، أدله اقوال مهم است و نقل اقوال لزومی ندارد؛ چون نقل اقوال در صورتی که مسأله از مسائل قدمائی باشد، در شهرت آن تأثیر گذار است، اما مسأله ضمان کاهش ارزش پول، از مسائل مستحدث است و اقوال در مسائل مستحدث اثری ندارد الا اینکه صرفاً آشنائی حاصل شود که قائل هم وجود دارد.

أدله عدم ضمان کاهش ارزش پول

ابتدا أدله نظریه اول مبنی بر عدم ضمان ارزش پول مطرح می شود. قبل از طرح أدله این نظریه لازم به ذکر است که کاهش ارزش پول با ساقط شدن ارزش آن متفاوت است. برای تشخیص تفاوت این دو می توان از این روش استفاده کرد که اگر با کنار هم قرار گرفتن تعداد زیادی از پولی که کاهش ارزش پیدا کرده است، امکان خریداری کالائی وجود داشته باشد، آن پول از ارزش ساقط نشده است بلکه مبتلی به کاهش ارزش شده است. اما اگر با کنار هم قرار دادن تعداد زیادی از پول ها کماکان امکان خریداری با آن وجود نداشته باشد، کاهش ارزش پول رخ نداده است بلکه به صورت کلی از ارزش ساقط شده است.

الف: بنای عقلا

اولین دلیل برای عدم ضمان کاهش ارزش پول، بنای عقلا و در ادامه بنای متشرعه به معنای اعم است؛ چون عقلا از صدر حضور تاکنون این چنین عمل می کرده اند که وقتی بدهکار می شده اند، خود را به همان مقداری که دریافت کرده اند، بدهکار می دانسته اند و همان مقدار را پرداخت می کرده اند. از طرف دیگر طلبکاران نیز خود را به همان مقدار طلبکار می دانسته و پرداخت بیش از آن را از بدهکاران مطالبه نمی کرده اند. اگر خلاف این بنا در زمان ها گذشته بود، مشخص شده و نقل می گردید، در حالی که چیزی نقل نشده است و حتی در یک روایت نیز مطرح نشده است که اگر از بدهکاری شخص سالها گذشته باشد، بر او لازم است که مقدار بیشتری پرداخت کند.



جلسه: ۰۲
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: أدله اعتبار داشتن پول های رایج در عصر حاضر
استاد: علی عندیبه دام ظلّه

این بنا در بین عقلاء وجود داشته و در بین متشرعه نیز رواج یافته است که این نکته حاکی از رضایت شارع به این عملکرد است؛ چون اگر شارع رضایت به این عملکرد نداشت، متشرعه را رد می کرد. اما از اینکه متشرعه این بنا را ادامه داده اند، قطع و یقین حاصل می شود که شارع نیز این مطلب را پذیرفته است.

به نظر ما تمسک به بنای عقلا صحیح نیست و سه اشکال بر آن وارد است:

۱- باید اثبات شود که در عصر معصومین علیهم السلام مواردی از بدهکاری وجود داشته است که بدهکار، بعد از کاهش ارزش پول، بدهی خود را به همان مقدار پرداخت کرده باشد؛ چون در زمان های گذشته این چنین نبوده است که هر سال، پول دچار کاهش ارزش گردد. اگر هم کاهش ارزش پول وجود داشته است، در اثر عوامل طبیعی و در محدوده های زمانی حدود صد سال رخ می داده است. بنابراین باید پرداخت بدهی همراه با کاهش ارزش پول به صورت صغروی اثبات شود. علاوه بر اینکه وجود صغروی این مساله باید به گونه ای باشد که در مرأی و منظر معصوم علیه السلام محسوب شود.

۲- فرضاً احراز شود که کاهش ارزش پول وجود داشته و در مرأی و منظر معصومین علیهم السلام هم بوده است، و در عین حال چیزی بیان کرده اند، عدم ضمان کاهش ارزش پول به صورت مطلق اثبات نمی شود؛ چون ممکن است ائمه علیهم السلام که قائل به ضمان کاهش ارزش پول بوده اند، به این جهت چیزی به بدهکاران بیان نکرده اند که ضمان کاهش ارزش پول را بر عهده حکومت می دانسته اند. از طرف دیگر با توجه به اینکه حکومت ها توجهی به فرمایشات آنها نداشته اند، بیان کردن معصومین علیهم السلام اثری نداشته است و لذا رد نکرده و سکوت اختیار کرده اند. البته ضامن نبودن بدهکار اثبات می شود.

۳- بنای عقلا و عدم رد از آن صرفاً در مورد درهم و دینار که از جنس طلا و نقره بوده اند، صورت گرفته است و نمی توان از درهم و دینار به سایر پول ها تعدی کرد؛ چون طلا و نقره ای که در درهم و دینار وجود دارد، از ارزش قابل توجهی برخوردار است؛ لذا کاهش ارزش در درهم و دینار اندک است؛ در حالی که در پول های رایج در عصر حاضر که از جنس کاغذ هستند، خود مادهی پول از ارزش قابل توجهی برخوردار نیستند و اگر کاهش ارزش در آن رخ دهد، تقریباً ارزشی نخواهند داشت. بنابراین با بنای عقلا نمی توان عدم ضمان نسبت به کاهش فاحش ارزش را اثبات کرد.

بنابراین با توجه به اشکال ذکر شده، بنائی که قبلاً وجود داشته است، شامل پول های رایج در عصر حاضر نمی شود و امکان تعدی هم وجود ندارد. بنای جدید هم هنوز محقق نشده است؛ چون در عصر حاضر در بین مردم اختلاف وجود دارد و برخی کاهش ارزش پول را موجب ضمان دانسته و برخی آن را نفی می کنند الا اینکه ادعا شود که حتی در پول های رایج یعنی پول های کاغذی نیز چنین بنائی وجود دارد که بدهکار خود را ملزم به پرداخت بیش از مقدار بدهی و طلبکار نیز خود را طلبکار نمی داند و این سیره مستحدث از زمان تبدیل درهم و دینار به پول های کاغذی ثابت است که به نظر ما این مطلب محل کلام است. در نتیجه تمسک به بنای عقلا صحیح نیست.